دوفصلنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۲، شمـارهٔ ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۳

پیشگویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دورهٔ میانه

معصومه باقری حسن‌کیاده [۱*] مهناز حشمتی [۲]

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۶)

چکیده

باور به نیروی جادویی نهفته در اجزاء هستی امری است که تنها به بشر بدوی در دوران کهن متعلق نبوده است و انسان‌ها در طول تاریخ تا به امروز همواره به جانمندانگاری[۱] و طلسم[۲] معتقد بوده‌اند. از زمان‌های بسیار دور، انسان می‌پنداشته است بعضی از اجسام، حیوانات و اجرام سماوی قدرتی نهفته دارند؛ زیرا با دانش ناقص‌اش امکان شناخت قوانین علمی حاکم بر جهان را نداشته است. لذا به‌ناچار برای توجیه یا یافتن علت و درمانی برای ناگواری‌های زندگی، یا مانع‌شدن از آن‌ها، باور به دخل و تصرف قدرت‌های ناشناختهٔ جادویی بر زندگی روزمره را در ذهن خویشتن بارور ساخت و خود را به تطبیق امور ریز و درشت زندگی با چنان باورهایی ملزم کرد. در ایران باستان و درپی آن در ادیان ایران پیش از اسلام، مانند سایر ادیان بسیاری از باورهای خرافی زیر سایهٔ دین، رنگ مشروعیت به خود گرفته بودند و باور به تأثیرات ستاره‌ها و سیارات بر

۱. استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان * hmahroo@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستان

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

روزها و سال‌ها و انواع فال و طالع‌بینی امری متداول بوده و گاه به‌عنوان پاره‌ای از مناسک دینی ترویج می‌شده است.

در این پژوهش با بررسی متون ایرانی دورهٔ میانه، انواع پیشگویی بررسی خواهد شد، ازجمله پیشگویی به‌وسیلهٔ الهامات، تأثیرات ستارگان و سیارات بر روزها و سال‌ها و باید و نبایدهای روزها، و متون فال و طالع‌بینی برگرفته از کتاب خطی ***فالنامهٔ زرتشتی*** شامل: فال اعداد ۱–۵، فالنامهٔ جاماسب حکیم و فال انامل. بدین‌ترتیب، تأثیر شگرف باور به جادو در هر لحظه از زندگی مردم ایران پیش از اسلام مشخص می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: جادوگری، پیشگویی، فال، دین ایرانی، طالع‌بینی اعداد.

۱. مقدمه

وجود انواع آیین‌های جادوگری در میان اقوام و ملت‌های مختلف از آغاز خلقت تا به امروز، حاکی از وجود خصیصه‌ای مشترک در میان تمامی‌آن‌هاست و آن، اعتقاد به وجود ماوراءالطبیعه در ابعاد گوناگون زندگی و کارکردهای مختلفی است که برای آن قائل هستند. بشر ابتدایی همواره با انبوهی از مشکلات و خطرات مانند طوفان، سیل و سایر بلاهای طبیعی مواجه بوده است و در یک روز و حتی کمتر از آن، حاصل زحمات روزهای طولانی و کار سخت سالانه‌اش از بین می‌رفت، یا بیماری‌های مختلف جان او و عزیزانش را در بسیاری از موارد تا قبل از رسیدن به سن بلوغ می‌گرفت، با وجود این، موارد و بسیاری از بلاها و آفت‌های دیگر، اعتقاد به جادو و تأثیرات آن توانی مضاعف به او می‌داد. وی با باور به اینکه نیروهایی خارج از طبیعت در کنار و همسو با تلاش او، سعی در بهبود کیفیت زندگی‌اش دارند، در این راه کوشاتر و ثابت‌قدم‌تر می‌شد. آینده و حوادث نامعلوم آن همیشه پر از رازهایی برای انسان بوده که رسیدن و دانستن آن در گرو داشتن مهارت و قدرت خاصی بوده است. در میان ملت‌های مختلف کهن، آگاهی از حوادث آینده از طریق ستارگان و علم

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

نجوم، انواع پدیده‌های جوّی و حرکت حیوانات میسر می‌شد. آن‌ها اعتقاد داشتند که غیب‌گویی کاربرد منطقی و علمی باورهای ماوراءالطبیعی آن‌هاست.

در ***فرهنگ‌نامهٔ مزدیسنا*** در تعریف سحر آمده است: «چیزی یا کاری که در آن فریبندگی و گیرندگی باشد، کاری که آدمی به‌وسیلهٔ نفوذ و تکرار بعضی کلمات با انجام اعمالی، قوای جهان را به نفع خود قبضه نماید ... » (اوشیدری، ۳۲۲:۱۳۷۱).

جادو به دو شیوه بر هدف موردنظر تأثیر می‌گذارد: یا از طریق جادوی هومیوپاتیک یا جادوی شباهت که در آن اصل بر شباهت بین عناصر مختلف است و تأثیر بر یکی از آن‌ها باعث تأثیر در عنصر مشابه آن می‌شود؛ یا از راه جادوی مسری که در آن اصل بر ارتباط دائم بین عناصری است که زمانی با هم در تماس بوده‌اند. در ایران باستان و دین زردشتی نیز هر دو گونهٔ جادو، یعنی جادوی سیاه و جادوی سفید وجود داشته است؛ در حالی‌که اولی مطرود و ناپسند و دومی بسیار ارزشمند شمرده می‌شده است.

آیین جادوگری شامل سه مرحلهٔ مختلف است که گاه یکی از آن‌ها و گاه هرسه با هم اثربخش می‌شوند: الف) افسون یا وردی که جادوکننده در آن حاجت و مقصود خود را بیان می‌کند؛ ب) آداب جادو که به معنای حرکات بدنی است و همراه با آن جادوگر کلماتی را ادا می‌کند. این آداب گاه به اجرای نمایشی خاص- که در آن جادوگر تلاش بسیاری از خود نشان می‌دهد- نیازمند است؛ ج) مرحلهٔ سوم استفاده از داروهاست که شامل طلسم‌ها و باطل‌السحرها نیز می‌شود (گریگور، ۱۳٦۱: ۱٦- ۲۱).

در میان انواع آیین‌های جادوگری، پیشگویی همواره جایگاهی خاص داشته است. آنچه مسلم است پیشگویی با جادو ارتباطی تنگاتنگ دارد. ستاره‌شماری، رؤیاها و تعبیر آن‌ها، احضار ارواح، انواع فال‌ها و بسیاری دیگر از فنون جادویی- که از طالع و سرنوشت انسان و جهان و آینده‌اش خبر می‌دهند- همگی نوعی پیشگویی به‌شمار می‌روند. فال و فال‌گیری به اشکال متعدد از گذشته تاکنون رواج داشته است و مردم در مواقع تردید و دودلی، نگرانی و درماندگی به آن روی می‌آوردند. از کهن‌ترین

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

نمونه‌های فال‌گیری می‌توان از فال‌بینی در شهر سیپار نام برد که شمش، ایزد خورشید، را رواج‌دهندهٔ غیب‌گویی و فال‌بینی می‌دانستند و به بت او متوسل می‌شدند و تفأل می‌زدند. همچنین می‌توان به فال بودا در هند، ای‌چینگ در چین، ورق‌های تاروت در اروپا، فال اعداد و حروف ابجد در ایران و انواع دیگر فال‌ها مانند تفأل با چای، نخود، قهوه یا فال‌گیری با تاس- که به آن رمل می‌گفتند- اشاره کرد (سپیک، ۱۳۸٤: ۹٤). سر کتاب بازکردن- که اصطلاحی است در فال‌گیری- نیز از دیرباز مردم را به خود مشغول داشته است. در میان آریایی‌ها که یکی از شعب مردمان هندواروپایی هستند، نیز انواع پیشگویی و فال‌گیری وجود داشته است. در ایران «فال‌گیری با عوامل و وسایل متعددی انجام می‌شد، ازجمله ستارگان، کتاب، تاس (در رمل)، جداول و دوایر (در جفر)، استخوان شانهٔ گوسفند (کتف)، کف دست آدمی، گیاهان، جانوران و نخود» (افشار، ۱۳۸۳: ۷٦). نشانه‌های تفأل را در داستان‌های ***شاهنامهٔ*** فردوسی نیز می توان دید که برای از پیش آگاهی‌یافتن استفاده می‌شده است (سرامی، ۱۳۸۳: ٥٤۲). «فال گرفتن و تفأل‌زدن به حوادث یکی از راه‌های پیشگویی در ***شاهنامه*** است و جالب آنکه این نیز از آن دسته پیشگویی‌هاست که در هیچ مورد نادرست نبوده است» (نیکنام و صرفی، ۱۳۸۱: ۱٦۹).

پیشگویان نیز در زمرهٔ جادوگرانی بودند که به روش‌های گوناگون و الهاماتی که از عالم غیب و از خدایان به آن‌ها می‌رسید، به پیش‌بینی حوادث آینده می‌پرداختند. پیشگویان با غیرمنطقی‌دانستن سلسله‌حوادثی که درپی هم اتفاق می‌افتادند، آن‌ها را از حیطهٔ تصادف، اتفاق و شانس خارج می‌کردند و به ماوراء طبیعت نسبت می‌دادند. این کار نه‌تنها پیش‌بینی حوادثی را که در آینده رخ می‌داد، شامل می‌شد؛ بلکه سلسله‌مقررات و بایدها و نبایدهایی دربارهٔ سعد و نحس روزها و اوقات مختلف شبانه‌روز و رویدادهای مهم زندگی مانند ازدواج را- که در آن اوقات رخ می‌داد- نیز دربر می‌گرفت. ازجمله آیین‌های کهن پیشگویی می‌توان به پدیدهٔ شمنیزم در میان سکاها اشاره کرد:

> شمن شخصیتی است که بر پایهٔ نهادهای روانی و تمرین‌های مرتب دارای نیرویی می‌شود که خود را به خواب مصنوعی فرو می‌برد. در حالت خواب چنین

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

می‌پندارد که روان (آزاد) او می‌تواند با هریک از بخش‌های کیهان برخورد کند، خواه آسمان باشد یا جهان مردگان یا جایگاه‌های بسیار دورافتادهٔ روی زمین. پیش از آنکه او به این حالت درآید، با وسایل گوناگون: آهنگ روی طبل جادو به همراهی آواز، رقص و داروهای مکیّف به حالت خلسه می‌رود. شمن بیشتر در جایی که برای او درست کرده‌اند، می‌نشیند و کمتر اتفاق می‌افتد که گروهی از دستیاران در انجام مراسم نباشند. بیشتر به هنگام پرستش، شمن فن‌هایی به‌کار می‌برد؛ چشم‌بندی و افسون‌خوانی و کارهایی که در هنگام اجرای آن تردستی‌های خیره‌کننده انجام می‌دهند (نیبرگ، ۱۳۸۲: ۱۷٦).

همان‌گونه که اشاره شد شمن برای رسیدن به حالت خلسه که در آن قادر به انجام اعمال جادویی است، از ابزار و وسایلی استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها داروهای کیف‌آور است. شاهدانه در میان این داروها، از پرکاربردترین آن‌ها بوده است. این گیاه در سرزمین سکاها به‌فراوانی رشد می‌کرده است. آن‌ها با سوزاندن و رساندن دود آن به بینی و دهان خود دچار نوعی بی‌خودی و سرخوشی می‌شدند و در این حال به اجرای مراسم شمنی می‌پرداختند.

پدیدهٔ شمنیزم در مراسم مذهبی سکاها اهمیت بسیاری داشته است و طی اجرای آن سخنانی از دهان فرد شمن خارج می‌شد که خدایان به او الهام می‌کردند و شمن برای بینندگان واسطه‌ای بوده که کلام خدایان را به آن‌ها می‌رسانده است (فریزر، ۱۳۸۲: ۱۲٤). هرودت در بند ٦۷ کتاب چهارم خود از غیب‌گویی سکاها به‌وسیلهٔ بعضی گیاهان مانند شاخه‌هایی از بید و پوست درخت زیسفون خبر داده است.

در دوهزار سال پیش از میلاد، تحولی رخ داد و فرقه‌ای از کاهنان به‌وجود آمدند که بر همهٔ دانستنی‌های سری و اسرارآمیز وقوف داشتند. آن‌ها استادان غیب‌گویی بودند و از روی نقش جگر و امعاء و احشام حیوانات ذبح‌شده و یا از روی دود آتش و درخشش سنگ‌های قیمتی، آینده را پیشگویی می‌کردند و قادر بودند وقایع را از روی زمزمهٔ چشمه‌ها و شکل گیاهان پیش‌بینی کنند (گلسرخی، ۱۳۷۷: ۲۷).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

آن‌ها مغان دین کهن آریایی بودند که یونانیان و رومیان باستان از واژهٔ magi برای آن‌ها استفاده می‌کردند و دو واژهٔ Magic و Magician- که در زبان‌های اروپایی به‌معنای جادو و جادوگر است- نیز به همین مغان اشاره دارد و برگرفته از نام و سنت آن‌هاست؛ زیرا آن‌ها پیوسته به امور سحرآمیز و جادوگری مشغول بودند.

مغان‌ها در دوران حکومت ساسانیان، به‌ویژه در زمان موبدی کرتیر، قدرت بسیار زیادی داشتند. از این دوران، متنها و کتیبه‌های باارزش بسیاری در ایران برجای مانده است که می‌توان از لابه‌لای آن‌ها نمونه‌های بسیاری از پیشگویی و طالع‌بینی را یافت. از جملهٔ این متون که به زبان پهلوی تألیف شده‌اند، می‌توان از متون مربوط به کشف و شهود و پیشگویی نام برد. کتیبهٔ کرتیر، متن ***ارداویرافنامه***، متن زند بهمن یسن، شعر بهرام ورجاوند و پیشگویی‌های جاماسب حکیم از این‌گونه‌اند.

۲. پیشینهٔ تحقیق

در مقالات و کتاب‌هایی مانند ***تاریخ جادوگری*** از ایرج گلسرخی و ***جادو در اقوام و ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی*** از مجتبی دماوندی، دربارهٔ جادوگری و پیشگویی به طور کلی سخن گفته شده است. همچنین مقالهٔ «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت» از مجتبی دماوندی در مجلهٔ ***مطالعات ایرانی*** به موضوع جادوگری در ایران باستان بر اساس روایات بازمانده از کتب تاریخی اختصاص دارد؛ ولی هیچ‌یک از این آثار به طور خاص به موضوع جادوگری و طالع‌بینی در ایران باستان بر پایهٔ متون پهلوی نپرداخته‌اند. در ضمن مقالهٔ «فال‌نامه» از ایرج افشار و مقالهٔ «پیشگویی در شاهنامه» از محمدرضا صرفی و نیکنام نیز به موضوع فال و پیشگویی اشاره کرده‌اند؛ ولی این مقالات نیز به متون دورهٔ میانهٔ ایرانی توجه نداشته‌اند.

در این پژوهش به شکل تخصصی موضوع پیشگویی بر پایهٔ متون پیش از اسلام مطرح خواهد شد. از آنجا که متون مربوط به فال‌گیری یکی از انواع ادب غنایی و زیرشاخهٔ پیشگویی شمرده می‌شود (نیکنام و صرفی، ۱۳۸۱: ۱۵۳)، متون ایرانی دورهٔ میانه را

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

نیز می‌توانیم در این دسته قرار دهیم. در این پژوهش نیز با نگاهی به متون دورهٔ میانهٔ ایرانی، شماری فال‌نامه با اعداد بررسی خواهند شد تا درنتیجه نشان داده شود که چگونه باورهای خرافی می‌توانند در اندیشه‌های دینی رسوخ کنند و گاه حتی بعد از زوال دین نیز استوار به زندگی خود ادامه دهند.

۳. پیشگویی بر اساس متون ایرانی دورهٔ میانه

انواع پیشگویی در دورهٔ میانه شامل پیشگویی با الهام (که پیشگویی به‌وسیلهٔ حیوانات را نیز در بر می‌گیرد)، پیشگویی و طالع‌بینی به‌وسیلهٔ ستارگان و پیشگویی با اعداد است.

۱-۳. پیشگویی با الهام

موضوع بیشتر متون مربوط به کشف و شهود و پیشگویی در این دوره، دربارهٔ ظهور زردشت و سه پسر او در هزاره‌های مختلف، حوادث پایانی جهان و شرح و توصیف بهشت و دوزخ است. این پیشگویی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ نخست پیشگویی‌هایی که بدون استفاده از وسیله‌ای و تنها با الهام انجام می‌شده است، مانند نمونه‌های پیشگویی برجای مانده در متون کهن که از زبان حیوانات، انسان یا از زبان شاهان اساطیری بیان شده است، مانند پیشگویی شاهان دربارهٔ آمدن زردشت و دین او خیلی پیش‌تر از تولد زردشت، پیش‌بینی توسط گاو اوکداد[۳] در آغاز خلقت، یا از زبان جم[۴]، فریدون[۵] و نیز از زبان گاو معجزه‌گری که مرز ایران و توران را در دوران کاووس نشان می‌داد[۶].

> خبر زایش زرتشت و پیامبری او نه‌تنها از سوی ورجاوندانی چون جم و فریدون و مردم فرزانه بسیار اعلام شده بود، بلکه ایزدان آن را به زبان گوسفندان نیز جاری کردند و در جهان گستردند تا این (کار) نیز بر پیامبری‌اش گواه شد (دینکرد هفتم، ۲: ۷۰، ۲۱۷).

مورد دیگر پیشگویی‌هایی است که براساس نوعی کشف و شهود و با استفاده از ماده‌ای حاصل می‌شوند. بیشترین نمونه از پیشگویی‌های ذکرشده در متون پهلوی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

درنتیجهٔ سفری شمنی انجام شده است. فردی درنتیجهٔ سفری شمنی و رهایی از جسم- که در اثر خوردن بنگ یا مادهٔ مخدر دیگری است- به عالم مینو راه می‌یابد و از سرانجام روان در دوزخ یا بهشت و پایان کار جهان آگاه می‌شود. این مادهٔ مخدر معمولا بنگ یا بنگه اوستایی bangha است که در گاهان اسمی از آن نیامده و در یشت‌ها (۱۳:۲٤، ۱۹:۲۰) به آن اشاره شده است. «بنگ گشتاسپی» از نمونه‌های مشهور آن است. متن‌هایی که به این نوع از پیشگویی در آن‌ها اشاره شده، شامل پیشگویی‌های گشتاسب در ***دینکرد***، ***ارداویرافنامه***، کتیبه‌های کرتیر در نقش رجب، سرمشهد و نقش رستم، قطعه‌ای منظوم به نام «آمدن شاه بهرام ورجاوند»، متن زند وهمن یسن، پیشگویی‌های جاماسب در ***یادگار جاماسب*** یا ***جاماسب‌نامه*** و ***یادگار زریران*** و منظومهٔ موجود در ***زراتشت‌نامه*** است.

۲- ۳. پیشگویی و طالع‌بینی با ستارگان

طالع‌بینی و شناسایی سعد و نحس روزها از روی ستارگان نوعی از پیشگویی است. همچنان‌که گفته شد، دانش ناقص بشر در گذشته‌های دور، به او امکان شناخت آسمان و اجرام سماوی را نمی‌داد. آن‌ها آسمان و ستارگان و سیارات را جایگاه نیروهای ایزدی و اهریمنی می‌دانستند که با جادوی خاص خود در جهان و پدیده‌های آن تصرف می‌کردند. طالع‌بینی از روی ستارگان و سیارات بسیار رایج بود و «از همین طریق پیشگویی می‌کردند، علم احکام نجوم شاخه‌ای از غیب‌گویی است» (دماوندی، ۱۳۸٤: ۸٦).

اعتقاد به تأثیر ستاره‌ها و سیارات بر سرنوشت و زندگی انسان در میان ایرانیان از خصایص مذهب زروانی است که در آن قبول تقدیر و جبر اختری، از اعتقادات اصلی است. بعد از اسلام:

> گرچه اعتقاد زروانی از دین مزدایی رخت بربست؛ اما در جامعهٔ ایرانی مسلمان به‌گونه‌ای دیگر ادامه یافت. اعتقاد به دهر و زمانه به‌مثابهٔ منشأ سرنوشت، جبر

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

تقدیری، اعتقاد به تعیین سرنوشت در آسمان، عقیده به تأثیر ستارگان و سیارات و انتقال خواست آسمان از طریق اجرام و صور فلکی نمونه‌هایی از تداوم این مذهب در بین عامه است (جلالی‌مقدم، ۱۳۷۲: ۸۵).

ردّ پای این نوع تفکر در ادبیات فارسی و در میان شاعران بزرگ نیز دیده می‌شود:

بیشترین شاعران بزرگ جبر را باور دارند و اینکه سرنوشت از پیش رقم خورده است ... در ادب فارسی از طالع و بخت و ستاره و فلک فراوان شکوه شده است و شاعران دل پرخونی از آن‌ها دارند. تمامی ناکامی‌ها و غم‌ها و اندوه‌ها منسوب به سیارگان و افلاک است (دماوندی، ۱۳۸٤: ۳۷٤-۳۷۵).

اعتقاد به تأثیر ستاره‌ها و سیاره‌ها در سعد و نحس‌بودن روزها، باعث شده بود تا ستاره‌شناسان و طالع‌بینان نزد پادشاهان و مردم مقام بالایی داشته باشند، و مردم با کسب آگاهی از آن‌ها درباره سعد و نحس روزها، امور ریز و درشت زندگی خود را بر آن اساس تنظیم کنند. بخشی از این دانش اخترشناسی شامل بایدها و نبایدهای روزها و بخشی نیز مربوط به فال و طالع‌بینی است.

۳-۳. بایدها و نبایدهای روزها بر اساس متون دورهٔ میانه

در بین ایرانیان باستان هریک از سی روز ماه، به نام یکی از امشاسپندان[۷] و ایزدان نام‌گذاری شده است. هفت‌روز اول ماه به نام آفریدگار و امشاسپندان و ۲۳ روز دیگر به نام سایر ایزدان زردشتی است و نام آفریدگار در چهار روز از ماه، یعنی روزهای اول، هشتم، پانزدهم، و بیست‌وسوم تکرار می‌شود. بدین صورت که روز اول: هرمزد روز، روز هشتم: دی به آذر، روز پانزدهم: دی به مهر، و روز بیست‌وسوم: دی به دین نام دارد. اسامی سی روز یک ماه به صورت زیر آمده است:

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

جدول شمارهٔ ۱

۱. هرمزد	۸. دی به آذر	۱۵. دی به مهر	۲۳. دی به دین
۲. بهمن	۹. آذر	۱۶. مهر	۲۴. دین
۳. اردیبهشت	۱۰. آبان	۱۷. سروش	۲۵. ارد
٤. شهریور	۱۱. خورشید	۱۸. رشن	۲۶. اشتاد
۵. اسفندارمد	۱۲. ماه	۱۹. فروردین	۲۷. آسمان
٦. خرداد	۱۳. تیر	۲۰. بهرام	۲۸. زامیاد
۷. امرداد	۱٤. گوش	۲۱. رام	۲۹. ماراسپند
		۲۲. باد	۳۰. انیران/ انغران

در مورد انجام کارها در هر روز، بایدها و نبایدهایی وجود داشته است که با نام و وظیفهٔ ایزد حافظ آن روز مرتبط است. برای نمونه، در سپندارمذروز- که به نام سپندارمذ، فرشتهٔ موکل بر زمین است- کشاورزی توصیه شده است. در قطعه‌ای از متن پهلویِ «مادیگان سی‌روزه» نیز بهمن‌روز و اردیبهشت‌روز، روزهایی نیک شمرده شده‌اند و انجام هر کاری در آن روز خوش‌یمن و ستوده است:

> بهمن‌روز به نام فرشتهٔ مه، امروز انجمن مشاوره‌ای به خرد کن، به درگاه شاهی شدن و نیز به درگاه دانایان [شدن] و فرمانبرداران را اجازهٔ حضور دادن و نیز با دوستان و دانایان به احوالپرسی شدن، عشق و دانش ورزیدن [و] به همهٔ کار و امور [ی پرداختن] خوب است. [در] اردیبهشت‌روز، آشتی و عشق ورزیدن و دارو و درمان را آمیختن و خوردن و انجمن و کار مربوط به روان کردن و اندیشه به دادوری انداختن و کردن و شاگردان را گماردن به یگانگی و پیوستن [به] سالاران و پادشاهان و [انجام هر] کار دیگری نیک جهش [= خوش یمن] و ستوده [خوب است] (عریان، ۱۳۷۱: ۱٦۳).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

در جدول زیر بایدها و نبایدهای انجام امور در روزهای ماه و موهبتی که توسط ایزدِ هر روز در روز مخصوص به آن، به انسان داده می‌شود، به‌ترتیب روزهای ماه از دو متن پهلوی ***اندرز آذرباد مارسپندان*** و ***شایست نشایست*** آمده است:

جدول شمارهٔ ۲

اندرز آذرباد مارسپندان	شایست نشایست
۱. هرمزدروز می‌خور و خرم باش. ۲. بهمن‌روز لباس(و) جامهٔ نو بپوش. ۳. اردیبهشت‌روز به آتش‌گاه شو. ٤. شهریور روز شاد باش. ۵. سپندارمذروز ورز زمین کن. ٦. خردادروز جوی کن. ۷. امردادروز دارودرخت نشان. ۸. دی به آذرروز سر شوی و مو و ناخن ویرای. ۹. آذرروز به راه شو و نان مپز، چه گناه گران بود. ۱۰. آبان‌روز از آب پرهیز کن و آب (را) میازار. ۱۱. خورروز کودک به دبیرستان کن تا دبیر و فرزانه باشد. ۱۲. ماه‌روز می‌خور و با دوستان تفریح کن و از ماه خدای لطف خواه. ۱۳. تیرروز کودک به تیراندازی و نبرد و سواری آموختن فرست. ١٤. گوش‌روز پرورش روان گاون کن و	۱. هرمزد <تو را> هر روز پایه و جایگاه مهتر [=برتر] دهاد. ۲. بهمن تو را خرد دهاد– <آن> موهبت نیکوی بهمن <تا> نیک‌منش باشی<و ازآن> نیک‌کنش که روان را رستگاری بخشی. ۳. اردیبهشت هژیر تو را هوش و ویر [= حافظه] دهاد. ٤. شهریورت از هر چیز آباد (= فرخنده و درست) <بهره> دهاد. ۵. سپندارمذت بدهاد، در خدمت برای فرزندآوری، کدبانویت. <یعنی> زن دهاد. از تخمهٔ [= دودمان] بزرگان. ٦. خردادت فراوانی و کامیابی بدهاد. ۷. امردادت رمهٔ چارپایان بدهاد. ۸. <در روز> دی <به آذر> دادار هرمزد <تو را> همیشه پشتیبان باد. ۹. آذر روشن بلند در بهشت تو را تخت و جایگاه فراهم کناد. ۱۰. آبانت از هر چیز آباد [= فرخنده و درست] <بهره> بدهاد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

گاو به ورز آموز.	۱۱. خورت در میان رقیبان درخشان کناد.
۱۵. دی به مهرروز سر شوی و ناخن ویرای و انگور از رزان باز به چرخشت افکن تا به شود.	۱۲. ماهت یاوری دهاد که هر روزه برآسایی.
۱٦. مهرروز اگر تو را از کس شکایت بر آمده باشد، پیش مهر ایست، از مهر داوری خواه و شکوه کن.	۱۳. تیشترت رونده [= توانا به رفتن] در هفت کشور زمین کناد.
۱۷. سروش‌روز، برای بختاری روان خویش از سروش اهلای آیفت خواه.	۱٤. گوشورون امشاسپند<تو را> نگاهبان چارپایان<و> گوسفندان <باد>.
۱۸. رشن‌روز، روزگار سبک [دار] و هر کار که خواهی کردن اندر فراوانی کن.	۱۵. <در روز> دی < به مهر> دادار هرمزد <تو را> همیشه پشتیبان باد.
۱۹. فروردین‌روز سوگند مخور و آن روز یزش فروهر اهلوان کن تا خرسندتر بشوند.	۱٦. مهرت داور باد که <آنچه> تو را کام است، پس به تو زود <برسد> .
۲۰. بهرام‌روز بُن خان و مان افکن، تا روز به فرجام رسد و به رزم و کارزار شو تا به پیروزی بازآیی.	۱۷. سروش اشو، نابودکنندهٔ دیوان، آز و خشم و نیاز از تو دور داراد و کوشاد <که> بر تو <دیو> بیداد مکناد.
۲۱. رام‌روز زن خواه و کار و رامش کن و پیش دادوران شو تا به پیروزی و نجات آیی.	۱۸. رشنت پروانه [= راهنما و راهبر] به بهشت بامی[= روشن و درخشان] باد.
۲۲. باد روز درنگ کن و کار نو مپیوند.	۱۹. فروردینت فرزند دهاد که تخمه [= نژاد و دودمان] نام برد.
۲۳. دی به دین‌روز هر کار خواهی کن، و زن به خانه آور و موی و ناخن ویرای و جامه بپوش.	۲۰. بهرام پیروزگر پس تو را فریادرس رزم <باد>.
۲٤. دین‌روز خرفستر بیوژن [= بکش].	۲۱. رام، خداوندگار مهربان، ستایندهٔ نعمت‌ها، آفرینت به درستی کناد که سیصد سال، بی‌مرگ و بی‌پیری <تا> به فرجام روزگار زیست کنی.
۲۵. اردروز هر چیز نو بخر و اندر خانه بر.	۲۲. باد تو را از بهشت روشن درود آوراد.
۲٦. اشتادروز اسب، گاو و ستور به گشن	۲۳. <در روز> دی <به دین> دادار هرمزد

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

[= نرینه] هل تا به درستی بازآیند. ۲۷. آسمان‌روز به راه شو که به درستی آیی. ۲۸. زامیادروز دارو مخور. ۲۹. مارسپندروز جامه افزای و بدوز و بپوش و زن به زنی گیر که فرزند تیزفکر نیک زاید. ۳۰. انیران‌روز مو و ناخن ویرای و زن به زنی گیر که فرزند مشهور زاید.	<تو را> پشتیبان باد. ۲٤. دین <در> میهن و خانهٔ تو میهمان [= مستقر] باد. ۲۵. ارششونگ [=ارد] هژیر <بخشنده> روشن‌فر کیانی <باد>. ۲٦. اشتادت یاور باد که هرروزه بر آسایی. ۲۷. آسمانت در هر هنر و چیز بستایاد. ۲۸. باشد که زامیادت دیو و دروج از خانهٔ تو بزند <و براند>. ۲۹. مانثرسپندت جایگاه در بهشت بامی<فراهم> کناد. ۳۰. انغران انوشه در هر چیز <تو را> یار <باد>.

(همان، ۱۰۷؛ مزداپور، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

اعتقاد به سعد و نحس روزها و سال‌ها در بین اهالی سرزمین ختن و ایغور باستان نیز رایج بوده است. آن‌ها یک دورهٔ دوازده‌تایی در سال داشتند که به هر سال نام حیوانی را اختصاص می‌دادند و آن حیوان را رهبر آن سال می‌دانستند. بنابر اعتقاد عوام، نام حیوانی که بر هر سال گذاشته می‌شد، با سرنوشت و تقدیر افرادی که در آن سال به دنیا می‌آمدند، مرتبط بود. برای نمونه مرد متولد سال موش کوتاه‌زندگی و حقیر است. مردی که در نیمه‌شب سال گاو متولد می‌شود، خود و پسرانش خوشبخت می‌شوند. مرد متولد سال ببر شکارچی و جنگجو خواهد شد. متولد سال خرگوش به خوشبختی کامل خواهد رسید. در سال اژدها مردی که زاده شود، درازززندگی است. مرد متولد سال اسب از بدبختی دور خواهد شد و نیکوکار و خوشبخت می‌شود. مرد متولد میمون بدبخت خواهد بود. در سال خروس و سال سگ مردان زاده‌شده کوتاه‌زندگی و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

اندوهگین باشند. متولدان سال خوک خود و فرزندانش کوتاه‌زندگی باشند (میرفخرایی، ۱۳۸۷: ۱۲۳– ۱۲۷).

٤. فال و طالع‌بینی

طالع‌بینی و فال بخشی از دانش نجوم و پیشگویی است که به‌وسیلهٔ آن‌ها، پیرو شرایط خاصی، حوادث آینده پیش‌بینی می‌شود. «از جهت مفهوم کلی، فال عبارت است از آنکه سرنوشت انسان یا واقعه‌ای را که روی‌دادنی است، از روی نشانه‌هایی– که آن‌ها را امور غیبی می‌شمارند– پیش‌بینی و پیشگویی کنند» (دماوندی، ۱۳۸٤: ۲۷۷).

در میان ایرانیان انواع فال از دیرباز رایج بوده است. کهن‌ترین نسخه‌ای که از فال‌نامه یاد کرده، منظومهٔ «ضمیر خسروانی» است که منسوب به بزرگمهر و مورخ رمضان ۸۸٤ق است (افشار، ۱۳۸۳: ۸۱). در میان آثار زردشتیان نیز متنی به نام ***فال‌نامهٔ زرتشتی*** وجود دارد که درآن از سه نوع فال نام برده شده است. این فال‌نامه منظوم است و توسط فردی به نام فولاد کرب گردآوری در ۱۱۱۳ق یا یزدگردی (؟) در هندوستان نوشته شده است. کتاب ۳۲٦ صفحه دارد و به خط تحریری مایل به نستعلیق مبتدی نوشته شده و همراه با ***روایات داراب هرمزدیار*** با جلدی مقوایی و روکش گالینگور با بافت پارچه‌ای صحافی شده است. به‌سبب آسیب‌های واردشده به کتاب در اثر موریانه‌خوردگی و رطوبت، قسمت‌هایی از آن قابل خواندن نیست. این فال‌نامه شامل سه نمونه فال است که هر سهٔ آن فال اعدادند. در فال اعدادِ ۱تا۵ به طور اخص از تاس به‌عنوان ابزار استفاده می‌شود، ولی در دو مورد دیگر به‌دلیل افتادگی در متن فال‌نامهٔ جاماسب و بدون شرح‌بودن متن فال‌نامهٔ انامل نمی‌توان به یقین گفت آیا در آن دو نوع فال‌گیری نیز از تاس استفاده می‌شده است یا نه؟ یا شاید مانند فال‌نامه‌های جداولی و دوایری در خانه‌های آن‌ها مطالب فال قید شده و معمولا با گذاشتن انگشت بر روی آن‌ها در حالی‌که چشم بسته است فال نیت‌کننده استخراج می‌شده است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

فال‌نامهٔ شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰ق) یکی از معروف‌ترین نمونه از این گروه و از رایج‌ترین انواع فال‌نامه در دورهٔ اسلامی است. این فال‌نامه مشتمل بر ۲۶ جدول به حروف ابجد است که از جدول دوم تا بیست‌وششم، هریک مختص موضوعی خاص و معین است و نیک و بد حال یا انجام آن و سود و زیان اقدام به آن، حصول یا عدم حصول یا وجود و عدم وجود یا نیک و بد عاقبت آن، می‌تواند مورد پرسش تفأل باشد. فرد بعد از خواندن دو بیت و فرستادن صلوات، نیت می‌کند و با چشم بسته انگشت خود را بر روی جدول قرار می‌دهد. حرف ابجدی که انگشت بر روی آن قرار گرفته، شاخصی خواهد شد برای انجام عملیات پیچیدهٔ شمارشی تا سرانجام بیتی از به‌هم پیوستن حروف حاصل گردد که پاسخ پرسش خواهد بود (شیخ بهایی، ۱۳۷۸: ۱۵).

۱-٤. فال اعداد ۱ تا ۵

این فال در پنجاه بیت، در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف آمده است. هر کدام از اعداد ۱تا۵، زمانی‌که با هر یک از اعداد ۱ تا ۵ به ترتیب بیایند، بیانگر طالعی هستند. به‌نظر می‌رسد که دو عدد تاس یا چیزی شبیه به آن وجود داشت که اعداد ۱ تا ۵ روی آن حک و همزمان انداخته می‌شد و دو عدد آمده، نشان‌دهندهٔ فال شخص بود:

یک و یک:

فال یک و یک نیک بر آید .....

این کار بکن از آنکه خصمت *از پای نشاط در سر آید*

یک و دو:

فال یک و دو چو بینی ای دوست *نیکویی بکن[۸] که کار نیکوست*

اندیشه که کرده‌ای بر آید *چون در همه حال یاورت اوست*

یک و سه:

از فال یک و سه بر حذر باش *خویش پی ظفر باش*

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

اندیشه که کرده‌ای تو نیکوست *زنهار به صبر، نامور باش*

یک و چهار:

فال یک و چهار شادمان است *سرمایهٔ عیش جاودان است*

کام دلت از جهان برآید *این فال به کام تو نشان است*

یک و پنج:

فال یک و پنج هست دشوار *توکل، حدیث خصم زنهار*[9]

این کار مکن صبور شو زانک[10] *از صبر به کام تو شود کار*

دو و یک:

فال دو و یک بود خجسته *آرد دل دشمن تو خسته*

شد بر تو در طرب گشاده *درهای غمت شدست بسته*

دو و دو:

فال دو و دو چو روی بنمود *بهبود مجو که نیست بهبود*

اندیشه که کرده‌ای زیان است *گر صبر کنی تو را بود سود*

دو و سه:

فال دو وسه تو را تمام است *زیرا همه کار تو به کام است*

شادی بینی تو روز و شب زانک *چون بخت تو را فلک غلام است*

دو و چهار:

فال دو و چار معتبر نیست *زین کار تو را به جز شرر نیست*

تعجیل..... *جز صبر و دعا رهی دگر نیست*

دو و پنج:

فال دو و پنج نیک فالی است *امسال تو را خجسته سالی است*

چون طالع توست اختر سعد *تو بدری و خصم تو هلالی است*

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

سه و یک:

فال سه و یک صواب نبود — این کار به جز عذاب نبود

تعجیل مکن که تا بر آتش — جان و دل تو کباب نبود

سه و دو:

فال دو سه چو می‌نماید — اندیشه که کرده‌ای برآید

..... — .....نشاط پر گشاید

سه و سه:

فال سه و سه تو دور می‌باش — ز اندیشهٔ خود نفور می‌باش

..... — .....صبور می‌باش

سه و چهار:

فال سه و چار اگر بدانی — فالیست امید.....

کارت به مراد دل شود زود — میکن.....

سه و پنج:

فال سه و پنج را دعا نیست — اندیشهٔ تو به جز خطا نیست

از صبر تو شادمان بگردی — الحال بدان که وقت آن نیست[11]

چهار و یک:

فال تو چهار و یک برآید — اقبال تو را ز در در آید

اندیشه..... — شاخ طرب که در بر آید

چهار و دو:

از فال چهار و دو چه[12] *خواهی — بیهوده مکن چنین تباهی*

این کار به صبر می بر آید — یابی تو عنایت الهی

چهار و سه:

از فال چهار و سه طرب بین — شادی و نشاط روز و شب بین

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

کار تو به کام توست امروز *ناکامی خصم بی‌ادب بین*

چهار و چهار:

هر فال که چار و چار بینی *از گلبن[۱۳] عیش خار چینی*

اندیشه که کرده‌ای رها کن *تا دولت کار و بار بینی*

چهار و پنج:

هر فال که چار و پنج باشد *خصم تو قرین رنج باشد*

با کام مراد شام می‌باش *زان فال مراد و گنج باشد*

پنج و یک:

فالی که ز پنج و یک خبر داد *پیغام .....*

پنج و دو:

فالی که ز پنج و دو نشان داد *زان جان و دلت مکن ازو شاد*

اندیشه که کرده‌ای رها کن *تا برگ غم دلت برد باد*

پنج و سه:

فالت چو ز پنج و سه پدید است *انگشت عدو ز غم گزیدست*

بگشاد به کام را که این فال *اکنون در کام ..... است*

پنج و چهار:

فالی که بود ..... *.....*

اندیشه به ترک روز کردی *تا برگ به کام تو شود کار*

پنج و پنج:

فالی که ز پنج و پنج خیزد *زان فال مراد و گنج خیزد*

دولت به تو روی خواهد آورد *کارت به مراد و گنج خیزد*

(روایات داراب هرمزدیار، نسخهٔ خطی)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

۲-٤. فال‌نامهٔ جاماسب حکیم

این فال‌نامه در ١٦ بیت در بحر هزج مسدس مقصور آمده است. باقی‌ماندهٔ اعداد در این فال، هر یک معرّف یکی از سیارات یا ستارگان و یا اشکال آسمانی هستند. به‌این‌ترتیب که اعداد: ۱ نماد زهره، ۲ نماد مریخ، ۳ نماد ذنب[١٤]، ٤ نماد زحل، ۵ نماد مشتری، ٦ نماد قمر، ۷ نماد عطارد، و ۸ نماد آفتاب است. آمدن هریک از این اعداد نشانهٔ وضع و شرایطی ویژه برای صاحب فال بوده است. البته به‌دلیل خطی‌بودن این نسخه، افتادگی‌های زیادی در متن وجود دارد و به همین دلیل، بعضی از ابیات ناقص‌اند:

عدد ۱:

اگر ماند یکی او زهره باشد ..... ز هر باشد
مرادت حاصل آید هر چه خواهی[١٥] بیابی دولت از فضل الهی

عدد ۲:

بماند گر دو مریخ است زنهار به مردی تو نگردی گِرد[١٦] این کار
اگر این کار را باشی تو آگاه به چاه افتی تو ناگه از نُک چاه

عدد ۳:

اگر باقی سه ماند آن را ذنب دان ز من این قول را در ادب دان
بسی حاصل شودت مال و نعمت ولی بینی بسا نیز رنج و زحمت[١٧]

عدد ٤:

اگر باقی بماند چار نیکوست زحل باشد ببینی دولت از دوست
مراد تو شود مجمع به تحصیل ولیکن صبر می‌باید نه تعجیل

عدد ۵:

چو ماند پنج باقی مشتری دان ز پشته پیش.....
بیابی دولت و شادی و نعمت برد بخت از دلت رنج و مشقت

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

عدد ٦:

اگر باقی بماند شش قمر گیر — سر غم را به تیغ عشق بر گیر

شود کاشانهٔ عمر تو روشن — شود بخت تو چون خورشید روشن

عدد ۷:

اگر هفت است عطارد باشد ای یار — در این هفته نبینی غم ز اغیار

همیشه کار تو همچون..... — مه و خورشید اقبالت برآید

عدد ۸:

چو هشت آید بباید (رفت) از این کار — وگرنه باشدت زو رنج بسیار

هر آنکو شک در آرد اندر این فال — زبانش وقت جان دادن شود لال

(روایات داراب هرمزدیار، نسخهٔ خطی)

۳-٤. فال انامل

چگونگی استفاده از فال‌نامهٔ انامل- که شامل یک خط و چهار بیت است- به‌درستی مشخص نیست. ممکن است مانند فال‌نامهٔ شیخ بهایی، بعد از نیت‌کردن، با بستن چشم باید انگشت را اتفاقی روی عددی در جدول قرار داد و به‌این‌ترتیب، آن عدد نشانگر فال شخص خواهد بود. در شرح این فال جدول زیر آمده است که باید اعداد باقی‌ماندهٔ ۱ تا ۸ را با آن مطابقت داد، سپس سعد و نحس آن را موافق با ابیات زیر مطالعه کرد:

یکی نیک، دو بد باشد، سه از محنت بر آید کار، چهارم سعد و پنجم نحس و ششم نیک ولی دشوار. ز هفتم شادی و دولت مراد دل شود حاصل، ز هشتم بر آید کار بعد از مدت بسیار. (روایات داراب هرمزدیار، نسخه خطی)

جدول شمارهٔ ۳

۳	۲	۱
۵		٤
۸	۷	٦

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

۵. نتیجه‌گیری

نقص‌ها و ناتوانی‌های بشر در طول زمان، همواره او را به سوی توسل به نیروهای برتر و ماورائی کشانده است. حس نیاز به جادو در هر دوره از زندگی بشر، متناسب با همان زمان پاسخ داده می‌شد و یکی از دو نوع قانون حاکم بر نظام جادو، یعنی جادوی مسری و جادوی بدلی بر آن حاکم بود. در میان تمامی علوم جادویی همواره پیشگویی جایگاهی خاص در بین اقوام و آیین‌های باستانی داشته است. چنانکه در متون میانهٔ برجای‌مانده از دورهٔ ساسانی نمونه‌های فراوانی از آن دیده می‌شود. بخشی از این متون نمونهٔ پیشگویی‌های اولیهٔ انسانی و حیوانی در آغاز خلقت و دربارهٔ ظهور زردشت و سه پسر اوست. بخشی دیگر بر پایهٔ کشف و شهود -که درنتیجهٔ سفری روحانی به ملکوت انجام می‌شود- اتفاق می‌افتد. بخشی دیگر نیز شامل اخترشماری است.

اعتقاد به تأثیر اجرام آسمانی باعث شده تا انسان‌ها در امور ریز و درشت زندگی خود، اراده و تأثیر آن‌ها را حاکم بدانند و برای مقابله با آن به شیوه‌های مختلفی از جادو مانند فال و طالع‌بینی و مشخص کردن روزها و سال‌های خوش‌یمن و بدشگون، نیز بایدها و نبایدهای انجام کار در آن اوقات بپردازند تا از تأثیرات شوم جادوی سیارات و ستارگان در امان باشند. تفأل با تاس و اعداد نیز روشی دیگر بوده است که به‌وسیلهٔ آن بایدها و نبایدهای انجام کارها برای شخص مورد نظر مشخص می‌شده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Animism
2. fitsh
۳. ewakdād به معنای گاو نخستین، پنجمین آفریدهٔ اهورامزدا در روی زمین است که بنابر متون پهلوی با کشته‌شدن او به دست اهریمن در حمله به جهان مادی، انواع غلات و گیاهان دارویی و نیز فلزات گوناگون از نطفهٔ او به وجود آمدند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

٤. جم یا جمشید، شخصیت اساطیری هند و ایرانی است که در ***اوستا*** به عنوان پسر ویوهونت (vīvahvant) و ویونگهان (wīwanghān) پهلوی، اولین کسی که گیاه مقدس هوم را فشرد، از او بسیار نام برده شده است که داری قدرت‌های جادویی بسیار و سلطنت آرمانی بوده است.

۵. فریدون در ***اوستا*** پسر آثویه است که دومین کسی بود که گیاه هوم را فشرد. او بر اژی‌دهاک غلبه کرد و دو همسر او را ربود.

٦. نام دومین شاه کیانی است که بر همهٔ کشورها، پری‌ها و جادوگران پیروز می‌شود.

۷. امشاسپندان که تعداد آن‌ها هفت‌تاست، جلوهٔ وجودی خدا (اهورامزدا) هستند که خدا آن‌ها را بر حسب ارادهٔ خود آفریده است و عبارت‌اند از: سپندمینو، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمذ، خرداد و مرداد که هر کدام موکل بر یکی از آفرینش‌های مادی در جهان هستند.

۸. در اصلِ نسخه: کن.

۹. وزن این بیت آشفته است.

۱۰. در اصل نسخه:

این کار مکن صبور شو زانکه از صبر به کام تو شود کار

۱۱ . قافیه در این مصراع آشفته است.

۱۲. در اصل نسخه: چو.

۱۳. در اصل نسخه: دیدن.

١٤. ماه در حرکت خویش در دو نقطه دایرهٔ منطقةالبروج را قطع می‌کند که این دو نقطه عقدهٔ رأس و عقدهٔ ذنب نامیده می‌شوند. از نظر طالع‌بینی عقدهٔ راس، سعد و عقدهٔ ذنب نحس شمرده می‌شود.

۱۵ . در اصل نسخه: بخواهی.

١٦. در اصل نسخه: کرد

۱۷. در اصل نسخه: *ولی بینی بسیار نیز رنج و مشقت*

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۸۳). «فال‌نامه». ***فرهنگ مردم***. ش ۱۰. تهران. صص ٧٦-۸۱.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۲). ***از جادو درمانگران تا اسلام***. ترجمهٔ مانی صالحی علامه. چ۱. تهران: ورجاوند.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). ***دانشنامهٔ مزدیسنا***. چ۱. تهران: نشر مرکز.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

- پورداود، ابراهیم (۱۳۷۷). ***یشت‌ها***. چ۱. تهران: اساطیر.
- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۲). ***آیین زروانی***. چ۱. تهران: گوته.
- دماوندی، مجتبی (۱۳۸٤). ***جادو در اقوام، ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی***. چ۱. سمنان: آبرخ.
- ---------- (۱۳۸۵). «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت». ***مجلهٔ مطالعات ایرانی***. س ۵. ش ۱۰. کرمان: دانشگاه شهید باهنر. صص ۹۱- ۱۰۷.
- ***روایات داراب هرمزدیار*** (صحافی‌شده با ***فال‌نامهٔ زرتشتی***) (بی‌تا). نسخهٔ خطی. تهران: کتابخانهٔ ملی.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۸۳). ***از رنگ گل تا رنج خار*** (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه). چ٤. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سیپک، ییری (۱۳۸٤). ***ادبیات فولکلور ایران***. ترجمهٔ محمد اخگری. تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- شیخ بهایی، محمدحسین (۱۳۷۸). ***فال‌نامه***. به‌کوشش مهدی علی‌نیا. چ۵. تهران: گلی.
- عریان، سعید (۱۳۷۱). ***متون پهلوی***. گردآوری جاماسب جی آسانا. چ۱. تهران: کتابخانهٔ ملی.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۲). ***شاخهٔ زرین: پژوهشی در جادو و دین***. ترجمهٔ کاظم فیروزوند. چ ۱. تهران: آگاه.
- گلسرخی، ایرج (۱۳۷۷). ***تاریخ جادوگری***. چ۱. تهران: نشر علم.
- گریگور، آرتور.اس (۱۳٦۱). ***اسرار طلسم و سحر و جادو: دنیای ماوراءالطبیعه انسان اولیه***. ترجمهٔ پرویز نجفیانی. چ۱. تهران: عطایی.
- مزداپور، کتایون (۱۳۹۰). ***شایست نشایست***. چ۱. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۷). «گاه‌شماری دوازده حیوان از متنی ختنی». ***یادنامهٔ جرعه بر خاک***. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص ۱۲۳-۱۲۷.
- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۸۲). ***دین‌های ایران باستان***. ترجمهٔ سیف‌الدین نجم‌آبادی. چ۱. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]

- نیکنام، حسین میرزا و محمدرضا صرفی (۱۳۸۱). «پیشگویی در شاهنامه». ***مطالعات ایرانی***. س۱. ش۲. کرمان: دانشگاه شهید باهنر. صص ۱۵۳-۱۷۲.
- هرودت (۱۳۳٦). ***تاریخ هرودت***. ترجمه و به کوشش هادی هدایتی. ج ۱-٤. چ۱. تهران. دانشگاه تهران.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1393.2.3.7.4]